



گزارشی از یک تحقیق - آخرین قسمت

مشکلات بهره‌برداری از سیستم‌های حسابداری

پرویز بختیاری

اشاره

در بخش‌های قبلی، مشکلات مربوط به مراحل تشخیص مسئله تا طراحی و پیاده کردن سیستم‌های حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. حال با پذیرفتن اینکه سیستم مطلوبی طراحی و به مرحله اجرا در آمده باشد، باید گفت که در مرحله بهره‌برداری از این سیستم نیز مشکلاتی وجود دارد که مطالب این بخش مروری بر این مشکلات است.

سیستم حسابداری نیز مانند هر سیستم دیگر دارای سه جزء اساسی «داده»، «پردازش» و «ساده» است. مشکلات مربوط به اجرا، بهره‌برداری و استفاده از نتایج آن، در هر یک از اجزای فوق بررسی می‌شود، بنابراین مباحث این بخش عبارتند از:

- ۱- مشکلات مربوط به اطلاعات ورودی سیستم.
 - ۲- مشکلات مربوط به پردازش اطلاعات توسط سیستم.
 - ۳- مشکلات مربوط به استفاده از آثار و نتایج خروجی سیستم.
- ذیلاً هر یک از موارد فوق تشریح می‌شود:

۱- مشکلات مربوط به اطلاعات ورودی سیستم

اطلاعات ورودی سیستم حسابداری مالی عمدتاً اطلاعات مربوط به وقایع مالی است که در جمع‌آوری این بخش از اطلاعات معمولاً نباید مشکل عمده‌ای وجود داشته باشد. در سالهای اخیر در ارتباط با اطلاعات مربوط به خریدهای مؤسسات، بعلت وجود بازارهای چند نرخ و در اختیار نبودن مدارک مثبت مانند فاکتور فروشنده، ثبت معاملات با

مشکل روبرو بوده است. موضوع چند نرخ بودن اوزهای خارجی، قیمت‌گذاری صحیح کالاهای وارداتی را با مشکل مواجه کرده و هنوز استاندارد و ضوابط مشخص و یکسانی در این مورد متداول نشده است. در اثر تغییر نظام بانکداری، معاملات و روابط بانکی مؤسسات دچار تغییر شده و هنوز قواعد یکسان و یکنواختی از طرف مؤسسات جهت ثبت معاملات بانکی طبق عقود اسلامی، شناسائی نشده است. در رابطه با اطلاعات ورودی سیستم‌های حسابداری صنعتی و بودجه و بطور کلی حسابداری مدیریت، به دلیل اینکه این گونه اطلاعات به غیر از اطلاعات خروجی سیستم حسابداری مالی، نیازمند اطلاعات خروجی سیستم‌های دیگری نظیر برنامه‌ریزی و کنترل تولید، سیستم اموال و دارائیهای ثابت، سیستم تدارکات و کنترل موجودی می‌باشد، چنانچه این سیستمها قادر به تهیه اطلاعات لازم نباشند و یا بدون توجه به نیاز اطلاعاتی سیستم‌های مالی، در آنها به مرور زمان تغییراتی ایجاد شده باشد، فراهم کردن اطلاعات ورودی سیستم‌های حسابداری صنعتی و بودجه دچار مشکل شده و به علت عدم کفایت و دقت و صحت این اطلاعات، نهایتاً اطلاعات خروجی سیستم نیز فاقد ارزش کافی برای تصمیم‌گیری مدیریت و سایر استفاده کنندگان خواهد بود.

اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری سنتی، قیمت تمام شده را به عنوان مبنای ارزیابی و ثبت دارائیهای شناسائی کرده است. در حالی که در شرایط حاد تورمی (مانند شرایط اقتصادی کشورمان)، پذیرفتن این مبنا موجب می‌شود که

اطلاعاتی که براساس قیمت‌های تاریخی در سیستم‌های حسابداری صنعتی و بودجه مورد استفاده قرار می‌گیرند، فاقد خصوصیات لازم برای تصمیم‌گیری مدیران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی باشد.

۲- مشکلات مربوط به پردازش اطلاعات توسط سیستم:

انجام عملیات طبق روشها و دستورالعملهای سیستم، یعنی دریافت اطلاعات ورودی و ثبت و ضبط آنها، انجام محاسبات، تهیه گزارشها و تجزیه و تحلیل اطلاعات جهت ارائه در قالبها و فرمهایی که قبلاً پیش‌بینی شده است، مجموعه فعالیتهایی است که اصطلاحاً پردازش سیستم را تشکیل می‌دهد.

چنانچه اجرای سیستم حسابداری به صورت دستی انجام می‌گیرد، نقش انسان و به عبارت دیگر نیروی انسانی متخصص در زمینه مالی حائز اهمیت بیشتری است. در بخش دوم، ضعف دانش تخصصی و کمبود کادر مالی موسسات به عنوان یکی از مشکلات عمده در راه پیاده کردن سیستمها تشریح شد. حال چنانچه به کمک طراحان سیستم و با استفاده از پرسنل متخصص موسسه طراح، سیستم بصورتی قابل قبول جهت پرداخت حق‌الزحمه پیاده شود، ادامه اجرای آن با کیفیت مطلوب، در گرو داشتن پرسنل متخصص به تعداد کافی خواهد بود. و گفته شد که ۵۵٪ شرکت‌های بزرگ و متوسطی که در نمونه آماری ما مورد سؤال قرار گرفتند اعلام کردند که در امور مالی آنها پرسنل متخصص به تعداد کافی وجود ندارد. بدیهی است که در چنین شرایطی، استفاده از سیستم‌های



کامپیوتری تا حد بسیار زیادی در رفع این مشکل موثر خواهد بود.

غالب بودن این تفکر که مدیر مالی موفق کسی است که گزارشهای او مورد قبول حسابرسان به خصوص حسابرسان مالی قرار گیرد، موجب شده است تا سیستم مالی موسسات به سوی مقبول بودن نتایج از نظر قوانین مالیاتی سوق داده شود، بدون اینکه نیاز اطلاعاتی مدیران مطرح باشد. نتیجه نظرخواهی از شرکتهای نیز این موضوع را به نوعی ثابت می کند. همه شرکتهای مورد سؤال بدون استثناء اظهارنامه مالیاتی را به موقع تسلیم می کنند و طی پنجسال گذشته فقط در ۱۵٪ از شرکتهای دفاتر مالی توسط ممیزین دارایی رد شده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می شود که در این نظرخواهی توجه داشته باشیم که قیمت تمام شده محصولات در حدود ۶۷٪ از شرکتهای فقط در پایان دوره مالی (و آنهم بخاطر تهیه گزارشهای نهایی و تکمیل اظهارنامه) محاسبه می شود و طبیعی است که این قیمت تمام شده تاثیر چندانی در تصمیمات مدیران نداشته باشد.

قبلاً اشاره شد که، سیستم حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی و قسمتی از سیستم اطلاعاتی مدیریت اصولاً در درون یک سیستم سازمانی مطرح است و گفته شد که همه سیستمهای سازمانی از خصوصیات «سیستمهای باز» برخوردارند. تمام سیستمهای باز بر محیط خود تاثیر می گذارند و از آن متاثر می شوند. هرگونه تغییر در ساخت سازمانی، اهداف و ماموریتها و برنامههای موسسه، می تواند سیستمهای اطلاعاتی مدیریت آن را تحت تاثیر قرار دهد و به تبع آن سیستمهای اطلاعاتی حسابداری را نیز دستخوش تغییر نماید. سیستمهای حسابداری نیز باتوجه به این تغییرات باید همواره مورد تجدید نظر قرار گیرد و تغییرات لازم در آنها اعمال شود. در اغلب موسسات، مرحله نگهداری سیستم بکلی فراموش شده است. سیستمی که در زمان طراحی و استقرار، سیستمی مطلوب بوده است، پس از گذشت چندین دوره مالی، هیچ تناسبی با اهداف و ماموریتها و نیازهای اطلاعاتی موسسه ندارد و هیچ واحدی نیز خود را مسئول تغییر و اصلاح آن نمی داند.

عدم همکاری برخی از مدیران مالی با مدیریت موسسه در اندازه امور موسسه، یکی از مواردی است که مدیران ما از آن اظهار نارضایتی می کنند.

عدم توجه کافی به عامل تخصص در اکثر انتصابات موجب شد که در بسیاری از موسسات پست سازمانی مدیریت مالی یک پست تخصصی و مشاغل مدیریت عاملی و عضویت در هیئت مدیره یک پست سیاسی تلقی شود، در نتیجه، مدیران مالی شغل خود را دائمی تر و عمر مدیریت و تصدی مسئولیتهای بالای موسسه را بسیار کوتاه دیدند، لذا فرصت کافی جهت ایجاد تفاهم و

● **دراجران و نگهداری یک سیستم حسابداری، نقش نیروی انسانی متخصص حائز کمال اهمیت است**
● **مدیران عمده ترین استفاده کنندگان اطلاعات مالی هستند و بسیاری از آنان با مفاهیم حسابداری و مالی آشنایی کافی ندارند**

● **مدیران مالی باید در جهت ایجاد تفاهم، همدلی و همسویی با مدیران تصمیم گیرنده نقش فعال تری داشته باشند و حتی در این مورد باید آموزش ویژه ای را طی کنند**

یکدلی با مدیریت تصمیم گیرنده را نیافتند. حتی در موسساتی که دارای سیستمهای پیشرفته مالی بودند، به دلیل عدم تفاهم و همکاری بین مدیران مالی و مدیریت موسسه از یکسو و عدم آگاهی و تسلط مدیریت در استفاده از قابلیتها و امکانات سیستم، به تدریج در اجرای سیستم تغییر ایجاد شده، برخی از گزارشهایی که قبلاً تهیه می شد منسوخ شد و نهایتاً سیستم اطلاعاتی حسابداری به سیستمی جهت وقایع نگاری تبدیل شده است. پدیده اعضای هیئت مدیره موظف نیز از نکاتی است که بعد از انقلاب در بسیاری از شرکتهای دولتی و تحت پوشش به عنوان روشی جهت اعمال مدیریت جمعی و گروهی و بعنوان راهحلی برای به حداقل رساندن ضایعات ناشی از کم تجربگی مدیران اجرایی مورد استفاده قرار گرفت. این موضوع باعث شد که عضو مالی هیئت مدیره باینکه مسئولیت مدیریت مالی موسسه را بعهده دارد، به دلیل اختیارات منبعث از قانون تجارت خود را رئیس مدیرعامل بداند و به همین جهت خود را موظف به دادن گزارش به مدیرعامل نمی شناسد و در بعضی از موارد تقابل و برخورد بین اعضای هیئت مدیره موجب می شود که اطلاعات لازم از مدیریت تولید یا مدیریت اداری

(که خود اعضای دیگری از هیئت مدیره هستند) به مدیریت مالی نرسد و مدیرعامل به جای گرفتن اطلاعات، موظف به دادن اطلاعات مورد نیاز این مدیریتها گردد! این مطلب به قدری چشمگیر است که در سالهای اخیر مدیران عامل جهت پیشگیری از وقوع این وضعیت، اصرار نمایند که اعضای هیئت مدیره را خود انتخاب کنند، با این امید که در پست سازمانی، از دستورات آنها تمکین کنند. در جلسهای که برای تشریح ساخت سازمانی جدید یک شرکت تشکیل شده بود، نگارنده شاهد این موضوع بود که مدیرعامل شرکت اصرار می کرد که در نمودار سازمانی، مدیرعامل، بالاتر از هیئت مدیره نشان داده شود و برای اثبات ادعای خود این چنین عنوان می کرد که مجمع شرکت (تعدادی از وزراء) او را بعنوان مدیرعامل انتخاب کرد. و سپس به وی اختیار دادند که اعضای هیئت مدیره را انتخاب کند. پس او منصوب هیئت مدیره نیست، بلکه آنها منصوب و کارمند، وی هستند!...

اینگونه ارتباطات نادرست قطعاً در جریان طبیعی اطلاعات و روند گزارشدهی اخلال ایجاد کرده و مسئولیت امور مالی را به عنوان متولی سیستم اطلاعاتی حسابداری، لوٹ می کند.

۳- **مشکلات مربوط به استفاده از آثار و نتایج خروجی سیستم**

می دانیم که سیستمهای اطلاعاتی حسابداری به غیر از حوزه تصمیمات استراتژیک، در بقیه سطوح سازمانی تأمین کننده اطلاعاتی هستند که مدیران برای تصمیم گیری خود به آنها نیازمندند (لازم به یادآور است که در کشور ما مدیران عمده ترین استفاده کنندگان اطلاعات مالی هستند).

در سطوح اجرایی، اطلاعات، عمدتاً توسط حسابداری مالی و در سطوح میانی و تصمیمات مربوط به برنامه ریزیهای عملیاتی و تاکتیکی و کنترل آنها، اطلاعات توسط حسابداری مدیریت تأمین می شود. جهت برقراری این شبکه اطلاعاتی و استفاده مؤثر از آن باید شرایط زیر

تحقق یابد.

۱- سیستمهای حسابداری مناسبی وجود داشته باشد.

۲- مسئولین اجرای این سیستمها، قابلیت تخصصی و توان حرفهای کافی جهت در اختیار گذاردن اطلاعات صحیح، بموقع و مربوط را داشته باشند.

۳- مدیریت و استفاده کنندگان از این اطلاعات، قابلیت و توان تخصصی لازم جهت درک مفاهیم اساسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و اتخاذ عکس العمل بموقع و صحیح در مقابل آنها را داشته باشند.

۴- اوضاع اقتصادی، اجتماعی و شرایط محیطی به گونه ای باشد که در آن بتوان تأثیر هر تصمیم مشخصی را با احتمال معینی پیش بینی کرد و به حاکمیت و قانونمندی روابط اقتصادی مطمئن بود.

در بخشهای قبلی این نوشتار مشکلات مربوط به طراحی و پیاده کردن سیستمهای حسابداری و در قسمت های قبلی این بخش مشکلات مربوط به اجرای این سیستمها در کشورمان مورد بررسی قرار گرفت. اینک با فرض اینکه سیستمهای مناسبی طراحی شده و به نحو مطلوبی پیاده شده و به نحو احسن اجرا شده باشند، باید دید که آیا نتایج خروجی و به عبارت دیگر اطلاعات حاصل از پردازش سیستم، تا چه حدی در تصمیمات مدیران و استفاده کنندگان از این اطلاعات مؤثرند.

در بخشهای قبلی به این نکته اشاره شد که در کشور ما، خوانندگان داخلی گزارش های مالی، عمده ترین استفاده کنندگان این اطلاعات هستند و قاعدتاً این اطلاعات باید در تصمیمات آنان مؤثر واقع شود. برای تحقیق این موضوع ابتدا مسئله در میز گردی تحت عنوان «اطلاعات مالی و تصمیم گیری» مطرح شد (مطالب مطرح شده در این میز گرد در شماره دوم تدبیر به تفصیل درج شده است).

شرکت کننده در آن میز گرد عمدتاً بر این نکته تأکید داشتند که محدودیت های بسیاری در اجرای وظایف مدیران وجود دارد و عوامل محیطی و شرایط اقتصادی، اجتماعی موجب می شود تا اغلب تصمیمات مدیران بدون رعایت ضوابط علمی و به کار بردن اطلاعاتی مناسب (اعم از مالی و غیر مالی) گرفته شود. جهت استخراج یک نظر کلی نیاز به انتخاب نمونه مناسبتری بود که برای انجام این بررسی پرسشنامه ای تنظیم شد و حدود ۷۰ نفر از مدیران طراز اول شرکت های بزرگ و متوسط (عمدتاً تولیدی) بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. البته پرسشنامه به نحوی تنظیم شد که جهت بررسی سایر موارد مطرح شده در این نوشتار نیز مفید واقع شود، ولی بخش نخست پرسشنامه عمدتاً برای تحقیق در چگونگی تأثیر اطلاعات مالی در تصمیم گیری مدیران بود.

فرضهای که در مباحث میز گرد متبلور شد

این بود که «شرایط اقتصادی اجتماعی و عوامل محیطی موجب می شود که اطلاعات تهیه شده توسط سیستمهای حسابداری تأثیر بسیار کمی در تصمیمات مدیران داشته باشد».

لازم است ذکر است که مدیران انتخاب شده همگی از شرکت کنندگان دوره های آموزشی مختلف در سازمان مدیریت صنعتی و عمدتاً مدیران مالی، اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل شرکت های خود بودند.

از مجموع ۷۰ نفر مدیرانی که پرسشنامه بین آنان توزیع شد، ۴۸ نفر به آن پاسخ دادند که این تعداد مبنای آزمون فرضیه قرار گرفت.

در اینجا جهت خودداری از اطاله کلام از طرح چگونگی انجام آزمون و مطالب پرسشنامه و نحوه استخراج نتایج آماری آن خودداری شده و فقط به ذکر این نکته اکتفا می شود که طبق نتیجه اولیه آزمون با اطمینان زیاد می توان ادعا کرد که اطلاعات حسابداری در بیش از نیمی از تصمیمات مدیران ما تأثیر ندارد. و یا تأثیر بسیار کمی دارد.

اگر در دقت این بررسی آماری و نحوه آزمون فرضیه نیز به دلیل نقاط ضعف تکنیکی ناشی از محدودیت نمونه انتخابی جای تردیدی وجود داشته باشد، باز هم مانع از طرح این ادعا نیست که متأسفانه در فرآیند تصمیم گیری مدیران ما، اطلاعات مالی و حسابداری جایگاه شایسته خود را ندارند، و این موضوع عمدتاً به دلیل عوامل محیطی است.

روابط اقتصادی، ثبات سیاسی، امنیت شغلی مدیران و شرایط اجتماعی تأثیر انکارناپذیری در کارائی اطلاعات به عنوان ابزار تصمیم گیری دارد. در شرایطی که روابط بیش از ضوابط و اطلاعات محرمانه و غیررسمی بیش از اطلاعات رسمی در تصمیمات روزمره مدیران کارساز باشد، برقراری سیستمهای اطلاعاتی از نوع سیستمهای حسابداری چندان کارساز نبوده و هدف اصلی سیستمهای حسابداری نیز تأمین نیازهای اطلاعاتی سازمانهای کنترل کننده و الزامات قانونی خواهد بود. در شرایطی که رقابت تجاری در تعیین قیمتها مؤثر نیست و تصمیم برای تولید یک محصول به مقدار سهمیه ارزی (و نه قیمت تمام شده آن) بستگی دارد، انجام هزینه های سرمایه ای و ساختاری از قبیل ایجاد سیستمها و تحمل ریسک تغییر در وضعیت موجود آنها برای بدست آوردن متاعی که چندان کارساز نیست با مقاومت روبرو خواهد شد. اصولاً در کشورهای در حال توسعه که ساختار اقتصادی بر پایه فروش مواد خام استوار است، افزایش تولید ملی از طریق به کار گیری بهینه منابع تولیدی و با استفاده از روشها و فنون مدیریت، آنچنان که در کشورهای توسعه یافته مطرح است، در این کشورها اهمیت زیادی ندارد. تصمیم گیری متمرکز در مورد ایجاد رونق در یک بخش از اقتصاد و یا ایجاد محدودیت برای بخش دیگر که

خود منبعث از نوسانات درآمدهای ارزی است، عملاً قدرت تصمیم گیری مدیران مؤسسات را در این گونه کشورها محدود کرده و استفاده از فنونی که برای شرایط اقتصادی دیگر و فرهنگی متفاوت ابداع شده اند، کمک چندانی در حل مسائل مدیریت نمی کند.

به دلیل کمرنگ بودن تأثیر اطلاعات حاصل از سیستمهای حسابداری در تصمیمات مدیران، وجود سیستم مالی غالباً بعنوان یک فورمالیته تلقی شده و مدیریت توجه چندانی به آن ندارد و حتی در بعضی از موارد مدیران بدون توجه به نقش واقعی سیستمهای حسابداری، مدیر مالی مؤسسه و پرسنل او را به عنوان سد و مانعی در راه اجرای دستورات خود می دانند و چون با زبان تخصصی او نیز بیگانه اند، نسبت به کارها و گزارشهای او به دیده تردید می نگرند.

در بخش خصوصی نیز از دیرباز سیستم رسمی حسابداری عمدتاً تولید کننده اطلاعاتی است که باید طبق قانون تجارت یا قوانین مالیاتی افشا شود. و این اطلاعات در تصمیم گیری مدیریت و یا صاحبان مؤسسه تأثیر اساسی ندارد. هر یک از این دو گروه (مدیریت و صاحبان مؤسسه)، برای

خود سیستم حسابداری خاصی دارند که در اغلب موارد این سیستمها را افراد صلاحیتدار طراحی نکرده اند (دفاکتر ب و ج) بعضی از صاحبان مؤسسات جهت پنهانکاری و فرار از مالیات، حتی به کارکنان مالی مؤسسه نیز اعتماد چندانی ندارند، لذا در مجموع علاقهای به داشتن سیستم حسابداری با دستورالعملها و آئین نامه های مشخص ندارند، زیرا معتقدند که در این صورت امکان حساب سازی نخواهد بود و به عبارت دیگر آشفته بودن سیستم مالی مؤسسه را مطلوبتر می دانند!!

توسعه مفاهیم نظری و روشهای عملی حسابداری در کشورهایی که اشاعه دهنده حسابداری نوین هستند، بصورت تدریجی و منطبق با نیاز واقعی استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری بوقوع پیوسته است. در این کشورها نقش اطلاعات حسابداری در اقتصاد و سیاست به حدی است که کوچکترین تغییر در روش اندازه گیری یا گزارشگری یک اطلاع مالی، مدتها در مجامع حرفهای و نشریات به بحث گذاشته می شود و تأثیرات این تغییر در همه ابعاد آن مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. انتشار یک بیانیه حرفهای و یا اعلام یک نظریه کارشناسی از سوی یک انجمن حسابداری می تواند، در قیمت بازار سهام تأثیری بزرگ بگذارد و احتمالاً یک بحران اقتصادی و سیاسی بوجود آورد. در این کشورها تأثیر اطلاعات حسابداری در تصمیم گیری سرمایه گذاران و بالمآل در اقتصاد کشور، به حدی است که در سالهای اخیر مطالعات روانشناسی وسیعی در زمینه شناخت فرایند تصمیم گیری در انسان صورت گرفته و تأثیر یک اطلاع حسابداری خاص

در رفتار و تصمیم سرمایه‌گذاران به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا به این ترتیب روشهای مطلوبی جهت گزارشگری مالی ابداع شود و به جامعه حرفه‌ای حسابداری توصیه شود. دستاوردهای علمی و تجربی این کشورها در زمینه حسابداری عیناً و بدون تغییر به کشور ما سرازیر می‌شود درست است که مفاهیم اساسی حسابداری و اصول بنیانی آن می‌تواند در همه جا قابل اجرا باشد ولی به دلیل این اصول و مفاهیم به صورت طبیعی و طبق نیاز جامعه پذیرفته نشده‌اند، حالت فرمایشی به خود می‌گیرند و چون اصولاً حسابداری دارای روابط علمی مشخصی مانند ریاضیات و فیزیک نیست و درحقیقت نشان‌دهنده قراردادهای اجتماعی است، زمانی که به صورت وارداتی پذیرفته شود و متکی به قراردادهای اجتماعی ما نباشد، جایگاهی رفیع‌تر از این نخواهد یافت.



در مقاله‌ای تحقیقی پیرامون موانع اقتصادی-اجتماعی استقرار استانداردهای حسابداری، که در نشریه حسابدار، ماهنامه انجمن حسابداران خیره ایران منتشر شده، وابستگی ساختاری کشورهای به اصلاح «جهان سوم» به متروپلهای اقتصادی بعنوان یکی از مشکلات اساسی اقتصادی/اجتماعی این کشورها نامبرده شده و ایجاد و رشد صنایع وابسته بعنوان عامل جلوگیری از پویندگی و خوداتکالی جامعه، و پدیدآورنده روحیه منفعت‌طلبی شخصی بجای مصلحت‌طلبی اجتماعی و موجب بروز ساختاری بازدارنده و ضد توسعه، معرفی شده است. در بخش دیگری از این مقاله آمده است «پ... در این ساختار روحیه کسب سود در کوتاه‌ترین زمان ممکن چنان گسترش یافته است که با پرداخت مالیات مانند پرداخت پول آب و برق رفتار می‌شود که «هرچه کمتر بهتر» لذا برای کاهش «هزینه» مالیات، نیاز به پنهانکاری اقتصادی پدید آمده و این پنهانکاری به چنان عمومی رسیده که برای استقرار موازین حسابداری، موازین پنهانکاری و فرار از مالیات بر جامعه غالب شده است. بنابراین، بجای اینکه کار حسابداری با ارائه اطلاعات مؤثر و گزارشگری...
ارزیابی قرار گیرد، تحت تاثیر سودجویی کوتاه مدت عاملین اقتصادی قرار گرفته و به این ترتیب، از ذوبند مدیران با شرکت گرفته تا روشهای فرار از مالیات، محک واقعی تعیین ارزش کار حسابداران می‌گردد» (۱).

همانگونه که سلامت اقتصادی لازمه رشد حرفه حسابداری است، به کارگیری سیستمهای اطلاعاتی حسابداری توسط مدیران و مسئولان اقتصادی کشور نیز ابزاری در کمک به سوی رشد و توسعه اقتصادی است. همانطور که اشاره شد تا ایجاد شرایط اقتصادی مطلوب راهی طولانی در پیش است و در چنین شرایطی، اعتدالی حرفه حسابداری و گسترش نیاز به داشتن سیستمهای حسابداری در گرو تلاشهای صادقانه همه

توجه به تجهیز کادر اجرایی قابل برای اجرا و نگهداری آن، در درآمدت نتیجه مطلوب نخواهد داشت، لذا آموزش نیروی انسانی موجود و افزایش توان حرفه‌ای آنان یکی از موثرترین اقدامات قبل از (و یا همزمان با) تهیه سیستم جدید می‌باشد.

۳- مدیران عمده‌ترین استفاده کنندگان اطلاعات مالی هستند و بسیاری از آنان با مفاهیم حسابداری و مالی آشنایی کافی ندارند. این شرایطی است که در هر جامعه متحول و انقلابی، بلافاصله پس از انقلاب قابل پیش‌بینی است. صدور دستورالعمل مبنی بر اینکه مدیران باید با این مفاهیم آشنا شوند، به تنهایی کافی نیست. مدیران مالی نیز باید در جهت ایجاد تفاهم، همدلی و همسویی با مدیران تصمیم‌گیرنده نقش فعال‌تری داشته باشند و حتی در این مورد می‌بایست آموزش ویژه‌ای را طی کنند.

۴- شرایط اقتصادی، اجتماعی کشورمان که در پی انقلاب و بخصوص جنگ تحمیلی درحالی نامتعادل و شدیداً متغیر قرار گرفته بود،

● سیستم حسابداری مانند هر سیستم دیگری دارای سه جزء اساسی داده، پردازش و نتانده است.

● توسعه مفاهیم نظری و روشهای عملی حسابداری در کشورهایی که اشاعه‌دهنده حسابداری نوین هستند، به صورت تدریجی و منطبق با نیاز واقعی استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری به وقوع پیوسته است

● همانگونه که سلامت اقتصادی لازمه رشد حرفه حسابداری است، به کارگیری سیستمهای اطلاعاتی حسابداری توسط مدیران و مسئولان اقتصادی کشور نیز ابزاری در کمک به سوی رشد و توسعه اقتصادی است

دستاندر کاران این حرفه و حمایت مسئولین و سازمانهای تصمیم‌گیری از توسعه مراکز آموزش و حفظ و بقای انجمنهای حرفه‌ای است.

پیشنهادهات

جهت رفع احتمالی مشکلات و موانع ذکر شده در این بخش، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- تحقیق در مسائل جاری حسابداری کشور از قبیل بررسی اثرات تغییر در نظام بانکداری بر روشهای حسابداری معمول و متداول قبلی، باید از توجه ویژه‌ای برخوردار شود. این گونه تحقیقات نباید صرفاً جنبه آکادمیک داشته باشد، بلکه سازمانهای اقتصادی کشور مانند بانکها، سازمان بورس اوراق بهادار یا سازمان حسابرسی با اختصاص بودجه مناسب به این امر و دعوت از صاحب نظران، مورد را بعنوان یک طرح مطالعاتی تا حصول نتیجه پیگیری نمایند.

۲- در اجرا و نگهداری یک سیستم حسابداری، نقش نیروی انسانی متخصص حائز کمال اهمیت است. مدیران موسسات باید به این نکته توجه داشته باشند که صرف تهیه یک سیستم بدون

خوشبختانه می‌رود که تعادل و ثبات خود را بازیابد. با بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد ثبات سیاسی، قطعاً زمینه‌های مطلوبتری جهت رشد و گسترش فرهنگ استفاده از اطلاعات حسابداری پدیدار خواهد شد که به تبع آن استفاده از آثار و نتایج حاصل از سیستمهای حسابداری نیز جایگاه مناسبتری خواهد یافت. لیکن تا رسیدن به شرایط مطلوب، نباید نقش سازمانهای کنترل کننده را در ایجاد فضایی سالم‌تر برای مناسبات اقتصادی نادیده گرفت. تلاش در ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ها و سیاستهای اعلام شده از سوی مراکز تصمیم‌گیری می‌تواند کمک بزرگی در این راه باشد. □

پانوش:

۱- مرتضی ایمانی راد، موانع اجتماعی-اقتصادی استقرار استانداردهای حسابداری، حسابدار، ماهنامه انجمن حسابداران خیره ایران، شماره ۲۴ شهریورماه ۱۳۶۶ صفحه ۴.